

چارچوب طراحی اقتصاد وقف

ناصر جهانیان*

چکیده

با وجود اهمیت نهاد وقف در اقتصاد اسلامی و به رغم سابقه درخشان آن در تمدن قدیم اسلامی، امروزه این نهاد از منظر کارآمدی، سازمانی و مکتبی با چالش‌هایی مواجه است. مسئولان این نهاد برای حل این چالش‌ها به دنبال «طرح نظام جامع تحول اقتصادی وقف» هستند؛ اما هنوز موضوع «اقتصاد وقف» و اجزا و ابعادش به شکل علمی و دانشگاهی در دسترس حتی دست‌اندرکاران این نهاد نیست تا با شیوه‌ای علمی مسئله‌یابی کنند و به حل مشکلات آن بپردازند. از این رو، مقاله حاضر به دنبال چارچوبی برای طراحی اقتصاد وقف است. این مقاله اکتشافی و پرسش اصلی آن این است که: «عناصر کلیدی اقتصاد وقف در سه عرصه (۱. تقاضای وقف؛ ۲. عرضه وقف؛ ۳. ساختار روابط بین دولت و نهاد وقف) چه می‌باشند؟». پاسخ به این پرسش اصلی با روش «تحلیلی-توصیفی» به دست خواهد آمد. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصاد وقف در گروی تعیین تکلیف اقتصاد بخش سوم است. **واژگان کلیدی:** نهاد وقف، اقتصاد وقف، ساختار روابط بین دولت و نهاد وقف، عرضه و تقاضای وقف.

طبقه‌بندی JEL: Z12, P49

مقدمه

مطابق حدیث نبوی «حَبَسِ الاصل و سَبَلِ الثمرة» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۴)، وقف تجبیس اصل و آزادسازی منفعت است. نهاد وقف با سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه که اهمیت فوق‌العاده‌ای در اقتصاد اسلامی دارد به سه نوع توسعه کمک شایانی کرده است: ۱. توسعه تعلیم و تربیت دینی؛ ۲. توسعه سرمایه انسانی و ۳. توسعه سرمایه فیزیکی.

در زمینه توسعه تعلیم و تربیت دینی، نقش وقف در تربیت انسان‌های متعهد و ارتقای فرهنگ دینی از طریق ایجاد حوزه‌های علمیه، مساجد، مشاهد مشرفه، حسینیه‌ها، مهدیه‌ها، خانه‌های قرآن کریم و حدیث، و مانند این موارد بسیار روشن است. از منظر توسعه سرمایه انسانی نیز نهاد وقف با ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و موارد مشابه به انباشت سرمایه انسانی کارآمد [صرف نظر از تعهد و ایمان مذهبی] کمک بی‌نظیری کرده است. بیشتر مورخان و محققان به نقش موقوفات در توسعه علم و دانش و سلامت اشاره کرده‌اند. در نهایت، نهاد وقف با سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه‌ای مانند پل‌سازی، جاده‌سازی، توسعه شبکه‌های آبیاری با حفر چاه‌ها و قنوات و وقف آنها در بین مسلمانان و ایجاد پارک‌ها، بستان‌ها و مراکز تفریحی و تأسیس مراکز تجاری، صنایع کوچک و متوسط زود بازده و وقف درآمد آنها برای نیازمندان به توسعه و انباشت سرمایه فیزیکی کمک کرده است. از این رو، می‌توان گفت که نهاد وقف در توسعه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی متعهد و ماهر در طول تاریخ اسلام نقش بسیار مهمی داشته و تمدن اسلامی از این لحاظ مدیون نهاد وقف است.

امروزه با کاهش نقش دولت‌ها و افزایش تدریجی قدرت مردم در اقتصاد (افزایش خصوصی‌سازی)، تعداد ثروتمندان به سرعت گسترش می‌یابد و نهاد وقف با مجموعه‌ای از سیاست‌ها از جمله فرهنگ‌سازی می‌تواند بار دیگر جایگاه خود را در تأمین انگیزه‌های انسان‌دوستانه، فقیرنوازان، علم‌پرورانه و دین‌مدارانه پیدا کند. مسئولان اوقاف در کشورهای اسلامی سال‌هاست که به دنبال تدوین نظام جامع تحول اقتصادی وقف هستند و به‌رغم تلاش‌هایی که در راستای ارتقای نهاد وقف انجام داده‌اند هنوز به این مهم دست نیافته‌اند.

پس از بحران‌های اقتصادی اخیر و کاهش رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای عربی که به‌طور معمول اولین شوک‌ها به بخش یارانه‌ها و خیرات وارد می‌شود، نهاد وقف نیز با مشکلات بیشتری مواجه شده است. با توجه به مشکلاتی که این نهاد از گذشته داشته است و با توجه به فرصت‌های جدیدی که در زمینه تغییر ترکیب تصمیم‌سازی اقتصاد بین خانوارها، سازمان‌های داوطلبانه، دولت و بازارها ایجاد شده و با لحاظ تغییر سلیقه مردم در

عرصه خیرخواهی، بین ظرفیت بالفعل اقتصاد وقف نسبت به وضعیت بالقوه آن فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد.^۱ مشکل اصلی این است که هنوز موضوع «اقتصاد وقف» و اجزا و ابعادش به شکل علمی و دانشگاهی در دسترس حتی دست‌اندرکاران این نهاد نیست تا با شیوه‌ای علمی مسئله‌یابی کرده و به حل آن بپردازند.

در ادبیات موضوع معلوم نیست عرضه وقف چگونه صورت می‌گیرد؛ انگیزه واقفان تحلیل علمی نشده است؛ و عوامل مؤثر بر عرضه وقف به‌طور دقیق و علمی مشخص نشده است. از سوی دیگر، تقاضای وقف نیز همین مشکل را دارد. تقاضای وقف تابع چیست؟ آیا متقاضیان وقف فقط موقوف‌علیهم هستند یا گروه‌های دیگر هم در طرف تقاضا قرار دارند؟ در نهایت، نقش دولت در اقتصاد وقف چگونه است؟ آیا دولت به معنای عامش فقط نقش نظارت قضایی دارد؟ یا باید در نقش آفرینی بخش خیرخواه در اقتصاد مشوق باشد؟ و پرسش‌هایی از این دست مسائلی است که قبل از «طرح نظام جامع تحول اقتصادی وقف» باید مطرح و حل شود.

از این‌رو، مقاله حاضر به دنبال طراحی چارچوب‌های لازم برای اقتصاد وقف و اجزا و ابعاد آن است. این مقاله اکتشافی است؛ از این‌رو، پرسش اصلی آن این است که: «عناصر کلیدی اقتصاد وقف در سه عرصه (۱. تقاضای وقف؛ ۲. عرضه وقف و ۳. ساختار روابط بین دولت و نهاد وقف) چه می‌باشند؟». پاسخ به این پرسش اصلی با روش «تحلیلی-توصیفی» به دست می‌آید. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصاد وقف در گروی تعیین تکلیف اقتصاد بخش سوم است.

تعریف اقتصاد وقف

رویکردهای گوناگونی در تعریف علم اقتصاد وجود دارد. اگر علم اقتصاد علم ثروت ملل نامیده شود، در آن صورت، بنا به تعریف آدام اسمیت علمی است که در آن چگونگی تولید، مصرف و توزیع ثروت بررسی می‌شود (ر.ک: روزبهان، ۱۳۷۹، ص ۹). اگر علم منطق انتخاب اقتصادی تعبیر شود، در آن هنگام، بنا به نظر جان هیکس علم مطالعه و بررسی چگونگی انتخاب اقتصادی انسان در زندگی است (همان). اگر علم تخصیص بهینه منابع اسم‌گذاری شود، در آن رویکرد، بنا به نظر لیونل رابینز علمی است که به مطالعه رابطه بین منابع و عوامل تولید کمیاب که موارد استفاده مختلف دارند و به رفع نیازها و خواسته‌های نامحدود بشر می‌پردازد تعریف شده است (همان). بر این اساس است که در علم اقتصاد بهینه‌یاب از روش‌های بهینه‌یابی نیز استفاده می‌شود. در نهایت،

۱. به‌طور مثال، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه ایران با بیان اینکه با شیوه مدیریتی کنونی و گذشته اوقاف هیچ صرفه اقتصادی حاصل نشده است اضافه کرد: برای تحول اقتصادی در وقف باید نظام جامع تحول اقتصادی تدوین شود (۱۵ دی ۱۳۹۲)، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921015000867>

پل ساموئلسن علم اقتصاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «علم اقتصاد بررسی روش‌هایی است که بشر با یا بدون استفاده از پول برای به کار بردن منابع کمیاب تولید به منظور تولید کالاها و خدمات طی زمان برمی‌گزیند. همچنین، بررسی راه‌هایی است که بشر برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه‌ها در جامعه به منظور مصرف در حال و آینده انتخاب می‌کند» (همان).

حال با توجه به اینکه اقتصاد وقف از یک‌سو، با تخصیص مازاد ثروت نیکوکاران درگیر است و از سوی دیگر، به شدت متأثر از ارزش‌های مکتبی و فقهی اسلام است، می‌توان این تعریف ابتدایی را برای آشنا شدن با اجزای این اقتصاد ارائه کرد: «اقتصاد وقف دانش تخصیص بهینه دارایی‌هایی است که به خاطر خدا یا نیکوکاری به طور دائم حبس می‌شوند تا در چارچوب شریعت و مکتب اقتصادی اسلام، منافع و مزایای این دارایی‌ها در راستای مصارف مرتبط با اهداف پنج‌گانه کلان (معنویت، امنیت، عدالت، پیشرفت و نظم بین‌الملل اسلامی) و هدف خرد تحکیم نهاد خانواده با بالاترین کارآمدی بخشیده و توزیع شود».

تخصیص بهینه دارایی‌ها اشاره به سمت عرضه وقف است و مصارف کلان و خرد همراه با توزیع و بخشش کارآمد منافع اشاره به سمت تقاضای وقف است. چارچوب شریعت و مکتب هم به بنیان‌های فقهی و ارزشی، از یک‌سو و ساختار روابط بین دولت و نهاد وقف، از سوی دیگر اشاره دارد.

تقاضای وقف

سخن گفتن از تقاضای وقف با کمبود شدید منابع و نظریه از یک‌سو و پراکندگی آنها در علوم مختلف اجتماعی مانند مددکاری اجتماعی و مانند آن مواجه است؛ ولی می‌توان این بحث را به شکل ذیل سامان داد:

۱. تابع تقاضای وقف؛ ۲. شرکت‌کنندگان در طرف تقاضای وقف؛ ۳. مدیریت بهینه نیازها و ۴. نقش ذی‌نفعان^۱ و موقوف‌علیهم در احیای حقوقشان.

تابع تقاضای وقف

تقاضای وقف تابع نیاز است. ^۲ البته، نیازها معمولاً به خاطر نفعی است که به نیازمند و سائل می‌رسد؛ ولی گاهی شأن سائل و تقاضاکننده والاتر از نیاز خودش است، او نیازمند نیست ولی نفع دیگران را طلب می‌کند. نیازهای خداوند متعال، پیامبران الهی به‌ویژه، پیامبر خاتم‌العالَمین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و

1. Stakeholders

۲. محوری‌ترین موضوع مورد بحث میان مدیران سازمان‌های غیرانتفاعی، پرسش‌هایی از این نوع است: پول داریم یا خیر؟ چه مقدار نیاز داریم؟ از کجا می‌توانیم کمک‌های مالی جمع‌آوری کنیم؟ چرا بیشتر از این نیست؟

مادر گرامیشان علیها السلام، اولیای الهی و علمای ربّانی و خلاصه درخواست دین خدا از انفاق کنندگان و واقفان برای ساخت مساجد، مشاهد مشرفه، مرقد‌های امامزادگان و اولیای الهی، حسینیه‌ها، مهدیه‌ها و دیگر اماکن مقدسه به خاطر نفع مردم برای رسیدن به معنویت است.

نیازها یا مربوط به درون کشور اسلامی است که در این صورت، از طریق نهاد وقف به سه نوع توسعه تعلیم و تربیت دینی، توسعه سرمایه انسانی و توسعه و انباشت سرمایه فیزیکی کمک می‌شود و یا مربوط به بیرون از کشور اسلامی است که در این صورت، نقش تاریخی نهاد وقف کمک به آرمان فلسطین، جهاد با صلیبیون، ارتقای حج ابراهیمی و مانند این موارد بوده و البته، نقش کنونی آن هم می‌تواند تداوم کمک به برخی از این موارد و همچنین تأسیس بنیادهای وقفی بین‌المللی جهت کمک به فقرای جهان اسلام باشد. تفصیل این مباحث در مقاله‌ای دیگر ذیل قسمت اهداف نهاد وقف مطرح شده است (ر.ک: جهانیان، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۷-۱۱۲).

شرکت کنندگان در طرف تقاضای وقف

اگر در طرف عرضه وقف از ابعاد کمی و کیفی واقف بحث می‌شود، در طرف تقاضای وقف قاعدتاً باید از ابعاد کمی و کیفی موقوف‌علیه بحث و بررسی صورت بگیرد؛ ولی مسئله به این سادگی نیست و ذی‌نفعان هم در طرف تقاضا می‌گنجند که شامل مردمی که از خدمات مساجد و مشاهد و غیره استفاده می‌کنند و مستخدمین موقوفه‌ها و مواردی از این قبیل است که موقوف‌علیهم نمی‌باشند. ولی باز مسئله به این سادگی نیست و افرادی که نقشی در کارآمدی توزیع منافع وقفی دارند و باعث اقبال مردم به وقف کردن می‌شوند، یعنی، متولیان و مدیران نهاد وقف هم در طرف تقاضای وقف قرار دارند.

به هر تقدیر، موقوف‌علیهم [و ذی‌نفعان] همان جهت استفاده‌کننده از وقف و مرتبط با مصارف و اهداف وقف هستند. از این رو، موقوف‌علیهم، یعنی، جهت استفاده‌کننده از موقوفه باید نخست موجود یا قابلیت وجود داشته باشد؛ دوم، معین یا قابلیت تمییز از دیگران را داشته باشد و سوم نماینده اهداف و مصارف بالا باشد و از این رو، وقف بر او جایز و حرمت شرعی نداشته باشد.

نیازهای یاد شده مربوط به وقف عام^۱ (به تعبیر فقهای امامیه) یا وقف خیری (به تعبیر فقهای مذاهب اربعه) است که اهداف کلان نظام اسلامی را در زمینه سهم نهاد وقف در تکافل اجتماعی برآورده می‌کند. اما گاهی نیازها در چارچوب اهداف خرد خانوادگی و حریم خصوصی فردی ابراز

۱. این موقوفات گاهی وقف بر جهات مصالح عمومی مانند وقف برای پل‌ها، جاده‌ها، سد‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و مانند اینهاست و گاهی وقف بر عناوین کلی مانند فقیران، سادات، عالمان، جنگ‌زدگان، معلولان، سالخورده‌گان، یتیمان و فی سبیل الله می‌باشند (ر.ک: خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۱۷۸).

یا ملاحظه می‌شود. در این صورت، وقف خاص^۱ (به تعبیر فقهای امامیه) یا وقف خانوادگی^۲ (به تعبیر فقهای مذاهب اربعه) شکل می‌گیرد.^۳

مدیریت بهینه نیازها

نیازها یا کاذبند یا صادق. طبیعی است وقتی مدیریت جامعه اسلامی با معصومان (علیهم‌السلام) یا جانشینان بر حقشان باشد نیازهای کاذب در حداقل قرار خواهد گرفت و عمده نیازها واقعی و صادق خواهند بود؛ اما از آنجا که مبارزه با عرف و عادات غلط مردم کاری حقیقتاً مشکل است و در این مسئله همواره مدیریت دینی احتیاط و تقیه می‌کند تا کارایی نظام اسلامی خدشه‌دار نشود، گاهی نیازهای کاذبی ایجاد می‌شود که بخشی از ثروت محدود و باارزش وقف را به خود تخصیص می‌دهد.

چه بسا موقوفاتی که وقف بر کعبه و مسجدالحرام شدند و اولیای الهی در آن‌باره نظر دیگر داشته‌اند؛^۴ چه بسا مساجد تشریفاتی و مجللی ساخته شدند و دیدگاه دین درباره هزینه این تشریفات چیز دیگری است. چه بسا واقفان خیراتی کردند که فایده اندکی داشت و اگر راهنمایی می‌شدند به خیر کثیر می‌رسیدند و همین‌طور است موارد دیگر. بنابراین، فرهنگ‌سازی و اولویت‌بندی نیازها از مهم‌ترین مسائل مدیریتی نیازهاست. این از یک‌سو.

از سوی دیگر، همه موقوفات بزرگ و کوچک، مقدس و متعارف را که بنابر فرض، شخصیت حقوقی مستقلی دارند یک سازمان غیرانتفاعی محسوب می‌کنیم. همه سازمان‌های غیرانتفاعی در حقیقت مشغول دو نوع «کسب و کار» هستند: یکی مربوط به فعالیت‌ها و برنامه‌های خودشان و

۱. این موقوفات وقف برای افراد خاص است، مثل اینکه کسی مال خود را برای فرزندان یا اقوام خود یا دوستان خود یا فرد خاص دیگری وقف نماید (همان‌جا، ص ۱۷۸).

۲. وقف به لحاظ منفعت یا انتفاعی که به موقوف‌علیهم می‌رساند انواعی دارد. از این منظر، فقهای امامیه وقف را به عام و خاص تقسیم کرده‌اند و فقهای مذاهب چهارگانه حنبلی، حنفی، شافعی و مالکی وقف را به خیری و خانوادگی. وقف خیری خود به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. دینی خالص و ۲. دینی دنیوی. وقف دینی خالص وقف مساجد است؛ و وقف دینی دنیوی شامل جمیع انواع وقف‌های خیری به جز وقف مساجد می‌شود. به‌طور مثال، وقف مدارس علمیه، خانه ایتام برای تربیت، آموزش، حرفه و صنعت، پل، کاروانسرا، هتل، بیمارستان، و آرامستان (ر.ک: سعیدصبری، ۲۰۰۱م، ص ۹۴ و ۹۹).

۳. وقف خاص و یا خانوادگی را می‌توان داخل در اقتصاد بخش چهارم یا اقتصاد خانواده دانست و از این جهت، از اقتصاد بخش سوم و بالمآل از اقتصاد دهش خارج است. اما وقف عام یا خیری داخل در اقتصاد دهش قرار دارد و از این جهت، پیوند تنگاتنگی با جزء اعطای مازاد ثروت (و نه جزء اعطای مازاد وقت) این اقتصاد دارد. البته، اقتصاد دهش شامل تراست‌ها، و بنیادها هم هست در حالی که نهاد کنونی وقف از بنیادهای وقفی ناچیزی برخوردار است، در عوض، هیچ جای دنیا آستان‌های قدسی امامان و امام‌زادگان را با این وسعت و ثروت ندارد.

۴. به‌طور مثال، در وسائل‌الشیعه بانی با عنوان «بَابُ عَدَمِ اسْتِخْتِابِ الْإِفْدَاءِ إِلَى الْكَعْبَةِ مَعَ الْخَوْفِ مِنْ صَرْفِهِ فِي غَيْرِ مُسْتَحَقِّهِ» وجود دارد یا باب ۲۴ که ذیل آن دو حدیث هست که نشان می‌دهد با وجود اینکه مقدس‌ترین مکان کعبه است؛ اما هنگامی که موقوفاتش در جای خودش خرج نمی‌شود و به دربان‌ها و خدمه‌اش می‌رسند نه به مساکین اطراف کعبه و مکه مکرمه، در این صورت، هدایی به کعبه که موقوفه محسوب می‌شوند مستحب نیست. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر دو دره پر از طلا و نقره می‌داشتم به کعبه اهداء نمی‌کردم زیرا به دربان می‌رسد نه به فقرا» «لَوْ كَانَ لِي وَابْنَانِ يَسِيلَانِ ذَهَبًا وَ فِضَّةً مَا أَهْدَيْتُ إِلَى الْكَعْبَةِ شَيْئًا لِأَنَّهُ بَصِيرٌ إِلَى الْحُجَّابَةِ دُونَ الْمَسَاكِينِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۵۶).

دیگری در رابطه با افزایش میزان کمک‌های اهدایی و خیریه. صرف‌نظر از راهکارهایی که معمولاً این سازمان‌ها برای افزایش میزان کمک دارند «کسب و کار نوع دوم»، و می‌توان از برخی از این راهکارها برای سازمان‌های وقفی مانند مسجد، مشهد و غیره استفاده کرد، اما آنچه به نظر مهم‌تر است «کسب و کار نوع اول»، یعنی، کارکرد بهینه در راستای انجام مأموریت سازمانی است که موجب جذب خیرخواهان و اقدام به کمک بیشتر می‌شود. به‌طور مثال، مساجد نمونه برخی شهرها جمعیت بیشتری به خود جلب می‌کنند و اقبال بیشتر موجب گسترش مسجد و امکانات آن می‌شود. مثال دیگر، کارکرد نسبتاً خوب آستان قدس رضوی است که موجب الگو شدن ساختار مدیریتی آن برای دیگر مشاهد مشرفه در عراق و ایران شده است.

نقش ذی‌نفعان و موقوف‌علیهم در احیای حقوقشان

قبل از ورود به بحث اصلی سه مقدمه ضروری به نظر می‌رسد:

۱. مرحوم حکیم وقف را به لحاظ موقوف‌علیهم به دو قسم عمده تقسیم می‌کند: الف. منظور از وقف نفعی است که عاید موقوف‌علیهم می‌شود؛ ب. منظور نفع نیست؛ بلکه فقط عنوان خاصی لحاظ می‌شود و آن حفظ و ایجاد عنوان مسجد است و این قسم موقوف‌علیه ندارد و اگر هم واقف منفعت خاصی مثل نماز، ذکر، دعا و مانند این امور عبادی را در نظر داشته باشد و بگوید: «وقف هذا المكان علی المصلین أو الذاکرین أو الداعین أو نحو ذلك»، مسجد نمی‌شود و احکام و ثواب مسجد بر آن مترتب نمی‌گردد و فقط مصلی و عبادتگاه خاص خواهد شد و از نوع اول خواهد شد (ر.ک: طباطبائی حکیم، بی‌تا، ص ۳۴۲)؛

۲. در مسئله وقف رابطه ذی‌نفع با موقوف‌علیهم عام و خاص من وجه است؛ یعنی، گاهی وقفی وجود دارد که موقوف‌علیهم ندارد ولی ذی‌نفع دارد، مانند وقف مساجد که وقف عنوان خاص مسجدیت است، هرچند به‌طور عمده مسلمانان از منفعت آن بهره می‌برند. گاهی وقفی وجود دارد که موقوف‌علیهم دارد و ذی‌نفعانی مانند متولی، و ناظر و مانند آنها نیز وجود دارند. در نهایت، به‌ندرت وقفی وجود دارد که فقط موقوف‌علیهم دارد و اگر هم متولی و ناظر و مانند آنها هم هستند؛ اما این افراد داوطلبانه و بدون هیچ‌گونه نفعی به خدمت می‌پردازند؛

۳. مسئله حقوق ذی‌نفعان و موقوف‌علیهم به نحو شفاف و روشن در فقه وقف مطرح نشده است، از این‌رو، اگر بخواهیم از منظر افزایش بهره‌وری موقوفات به این مسئله نگاه کنیم به نحوی که با فقه وقف هم سازگار باشد می‌توانیم پیشنهادهای ذیل را در اقسام گوناگون وقفی ارائه کنیم. حال با توجه به سه مقدمه یاد شده، از منظر احیای حقوق ذی‌نفعان و موقوف‌علیهم، در وقف

مساجد، مشاهد مشرفه، مرقد‌های امام‌زادگان، حسینیه‌ها و مهدیه‌ها و اموری مانند اماکن مقدسه که وضع شرعی آنها در راستای احیای دین و ولایت است تکلیف مشخص است.^۱ مشاهد مشرفه و مساجد جامع و همین‌طور مساجد و مرقد‌های اولیای الهی با تأثیر مهم محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تولیتشان با رهبری اصیل جامعه اسلامی است و نظارت بر کارکرد بهینه آنها با مجلس خبرگان رهبری در درجه اول، و در درجه دوم با عموم مردم از باب امر به معروف است. بنابراین، در اینجا، هرچند موقوف‌علیهم شاید وجود نداشته باشند، ولی عموم مردم از باب اینکه ذی‌نفعند می‌توانند با حفظ سلسله مراتب امر به معروف دخالت کنند و حقوق خود را در اداره بهتر این اماکن ارتقا بخشند. در دیگر مساجد و اماکن مقدسه روحانیون و عدول مؤمنان در چارچوب قوانین کشور اسلامی با ایجاد هیئت امنای عاقل، متقی، محبوب و توانمند اداره بهینه امور را به دست گرفته و البته، مردم مرتبط و ذی‌نفع هنگامی که جریان امور را بر وفق مراد نمی‌بینند می‌توانند با حفظ سلسله مراتب امر به معروف دخالت کنند که نهایت قضیه شکایت به قوه قضائیه و تغییر هیئت امنای می‌تواند باشد. اما در مواردی که منظور از وقف نفعی است که عاید موقوف‌علیهم می‌شود؛ اعم از اینکه موقوف‌علیهم انسان [اعم از مرده یا زنده] یا حیوان یا جماد باشد یا جهت، خودش به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱. قصد واقف این است که موقوف‌علیهم مالک منافع موقوفه شوند؛ مثل وقف بنگاه تجاری یا کشاورزی بر اولاد یا بر مسجد، مدرسه، دانشگاه و غیره، به نحوی که سود یا درآمد بنگاه ملک آنها شود؛ در این صورت، احکام مالکانه نسبت به این سود یا محصول کشاورزی اعمال می‌کنند. در این حالت، اگر متولی اصرار بر اداره دارد و موقوف‌علیهم شاکی هستند می‌توانند به قوه قضائیه و حاکم شرع رجوع کنند و در صورت اثبات بی‌کفایتی، بهتر است اداره امور در اختیار موقوف‌علیهم قرار بگیرد، چون با توجه به منفعت بالایی که در این مورد می‌توانند کسب کنند بیشترین دلسوزی و تدبیر را خواهند داشت؛

۲. قصد واقف این است که موقوف‌علیهم از منافع موقوفه بدون مالکیت بهره‌برداری کنند؛ مثل وقف باغش برای اینکه علما یا فرزندان او از میوه‌هایش یا بدل آنها اعم از گندم، آرد، یا پولش با صلاحدید متولی و غبطه و مصلحت موقوف‌علیهم استفاده کنند؛ در این صورت، و صورت بعدی، اگر موقوف‌علیهم احساس رضایت از عملکرد متولیان نداشته باشند با توجه به منفعت اندکی که در این دو صورت دارند، نقششان کمتر می‌شود؛ ولی می‌توانند با حفظ سلسله مراتب امر به معروف

۱. اماکن به ظاهر مقدس مضر به دین و کشور اسلامی حق تأسیس و ادامه حیات ندارند؛ ولی همه دیگر اماکن مذهبی که در چارچوب قانون کشور اسلامی فعالیت می‌کنند و مخالفت عملی با قوانین کشور نمی‌کنند مجازند و متولیان و ناظران این اماکن باید مطابق مذهب خود تلاش کنند که بهترین خدمات را به مصرف‌کنندگان خدمات مذهبی داشته باشند.

در نهایت شکایت کنند و حاکم شرع در صورت اثبات ادعا به وظیفه‌اش در سامان‌دهی موقوفه اقدام کند؛

۳. قصد واقف این است که موقوف‌علیهم حق انتفاع [نه حق منفعت] داشته باشند؛ مثل وقف کاروانسرا، پل، مدرسه، قرآن کریم، کتب ادعیه، و کتب علمی، و مانند آن.

نکته آخر: گاهی اصل وقف کردن معلوم است؛ اما مجهول‌المصرف است، به‌طور مثال، زمینی وقفی است و می‌دانیم که برای امور ورزشی، هنری، و نظامی نیست، ولی مردد بین امور مذهبی، آموزشی، و درمانی است. در این صورت، ذی‌نفعان ورزشی، هنری، و نظامی حقی ندارند، ولی ذی‌نفعان امور مذهبی، آموزشی و درمانی می‌توانند برای احیای حقوقشان در این مورد اقدام کنند. حتی گاهی چنین حقی در بیرون از کشور اسلامی است، در این صورت، ذی‌نفعان می‌توانند با کمک دولت و وزارت خارجه به دنبال احیای حقوقشان باشند، البته، اگر موازنه هزینه-فایده این اقدام ملاحظه شود (ر.ک: عنوان فقهی وقف مجهول‌المصرف).^۱

عرضه وقف

وقف کردن فقط مختص ثروتمندان نیست؛ بلکه افراد در طبقات متوسط و حتی کم‌درآمد نیز می‌توانند واقف و عرضه‌کننده موقوفات باشند.^۲ زیرا در تقسیم وقف به لحاظ موقوفه داریم که وقف یا مال منقول است یا مال غیر منقول. مال منقول می‌تواند حتی ریحانی باشد که منافعش فقط ممکن است دو روز دوام داشته باشد. خوب ریحان یا دسته‌گلی خوشبو را افراد کم‌درآمد هم می‌توانند وقف کنند. حال با توجه به این مقدمه، و با توجه به اینکه امروزه ابزارهای جدید مالی مانند صندوق‌های وقفی و سهام وقفی وجود دارند می‌توان گفت که واقفان و عرضه‌کنندگان وقف از تمامی طبقات به‌ویژه ثروتمندان می‌توانند باشند. به لحاظ تحلیل اقتصادی، کسانی که ثروت یا درآمد مازادی دارند که با آن می‌توانند به‌طور ماهانه یا سالانه بخشی از اقساط صندوق‌های وقفی

۱. البته، اگر این ذی‌نفعان کاری نکنند مصرفش مطابق ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان روشن می‌شود: ماده ۸: درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد، زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد. تبصره: درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد، با تشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف، در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید، زائد بر مصرف متعارف باشد، حتی‌الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب، در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است که صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر، به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفای موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف، مقدور نباشد.

۲. به‌طور مثال، تحقیقات تجربی در مورد شهر اصفهان نشان می‌دهد که سرپرستان خانوارهای اصفهانی تمایل دارند ماهانه حدود ۶۲ هزار تومان به مؤسسات وقفی برای تأمین مالی آموزش و پرورش بپردازند (امیری؛ کیانی؛ صادقی‌پور؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۲).

مساجد، بیمارستان‌ها و مانند این موارد را پردازند در معرض واقف شدن قرار دارند.^۱ در این قسمت، انگیزه‌های واقفان و عوامل مؤثر بر عرضه وقف تحلیل می‌شود:

تحلیل انگیزه‌های واقفان و عرضه وقف

شاید مهم‌ترین کاری که انبیای الهی و اولیای خداوند در طول تاریخ انجام داده‌اند تحول در الگوهای رفتاری جوامع جاهلی و تبدیل آنها به الگوهای قابل قبول شریعت باشد. در واقع، تغییر عادت‌های جاهلی به عادت‌های پسندیده از سنخ اعجاز است که تنها انسان‌های بزرگوار تاریخ از عهده آن برمی‌آیند. از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) سه روایت ذیل نقل شده است که: ۱. «انجام هر کاری ممکن است مگر برگرداندن طبع‌ها و خواها» (محمدی‌الریشهری، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۱۹۱، باب ۳۰۰۰، ح ۳)؛ ۲. «عادت طبیعت دوم بشر است» (همان، ص ۲۱۹۰، باب ۲۹۹۶، ح ۱) و ۳. «تغییر آن از مشکل‌ترین سیاست‌هاست» (همان، ص ۲۱۹۱، باب ۳۰۰۰، ح ۱).

یکی از این عادت‌های جاهلانه رفتار دهشی است که به خاطر شهرت، جاه‌طلبی، چشم و هم‌چشمی و احساساتی شدن، و گاهی به خاطر اضطرار به غیر و مسائلی از این دست اتفاق می‌افتد. قرآن کریم کسانی را که مازاد ثروت خود را در مسیر ریا و خودنمایی می‌بخشند تحت ولایت شیطان محسوب کرده^۲ چه در ظاهر به خداوند ایمان داشته باشند که در این صورت، انفاقشان ریای اصطلاحی می‌شود و چه کافر باشند که در این صورت دهش خود را برای شهرت و جاه‌طلبی انجام می‌دهند^۳ (ر.ک: جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۸ش، ج ۱۸، ص ۶۵۶).

بنابراین، اسلام به دنبال تصحیح انگیزه‌های مردم در انفاق و دهش، از جمله، انگیزه‌های آنان در

۱. صندوق‌های وقفی یکی از انواع شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند که به وقف و امور خیریه به عنوان سرمایه‌گذاری نگاه می‌کنند و سعی در استفاده از عواید سرمایه‌های وقفی دارند (عیسوی؛ طالبو؛ کاظمی؛ بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۸).
 ۲. وَ الَّذِينَ يُتَّقُونَ أَموالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء، ۳۸).
 و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند. و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است.

۳. مختال فخور به ردایل گوناگون مبتلاست که برخی از آنها در این مجموعه بررسی می‌شوند: ۱. ابتلا به بخل؛ ۲. دستور به بخل و امر به آن؛ ۳. کتمان نعمت‌های پروردگار؛ ۴. انفاق ریایی و سمعه‌ای؛ ۵. مختال فخور اگر موحد به معنای معتقد به وجود خداوند یگانه باشد، ریا و سمعه او به این وجه است که انفاق وی برای ارائه یا اسماع دیگران است که درصدد عبادت خداست و برای تقرب به او انفاق می‌کند، در حالی که چنین نیست؛ و اگر مختال فخور موحد نباشد، به معنای آنکه منکر وجود خداوند یگانه باشد، ریا و سمعه او به صورت مصطلح نیست؛ بلکه به این صورت است که درصدد ارائه یا اسماع آن است که قصد خدمت به جامعه دارد و برای تأمین رفاه ملت انفاق می‌کند؛ در حالی که چنین نیست، بلکه خودنمایی است؛ یعنی اصل بذل مال و انفاق آن مطرح است؛ لیکن قصد چنین مختال فخوری جلب توجه مردم به خود است که وی خیر و نوع‌دوست است. لازم است عنایت شود که ترک انفاق اثر سوء خود را دارد؛ ولی انفاق ریایی و سمعه‌ای، گذشته از آنکه در حکم ترک انفاق است، چون چنین انفاقی مقبول خدا نیست - زیرا عمل ریایی باطل است - محکوم به عصیان هم خواهد بود، چراکه ریا از گناهان بزرگ است، پس اگر زکات واجب در ذمه کسی باشد و او ریائاً انفاق کند، اصل تکلیف همچنان در ذمه او باقی است؛ گذشته از آنکه گناه ریا را در نامه سیاه خود خواهد داشت (جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۸ش، ج ۱۸، ص ۶۵۸).

وقف است. کسی که علم، ثروت و مانند آن را رزقی از خدای سبحان می‌داند که پس از انفاق جای آن پر می‌شود، در عطا و بخشش سخاوتمندانه عمل می‌کند، چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَيَّقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۴۷)؛ زیرا انفاق مانند بخشش از نهر روانی است که اگر آبی از آن برداشته شود، فوراً جایش پر می‌شود؛ نه چون برداشتن از پهنه زمین که اگر خاک یا سنگی از زمین برداشته شود، جایش خالی می‌ماند. در مقابل، اگر کسی به آمدن جایگزین پس از انفاق یقین نداشته باشد، برابر آیه «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ» (بقره، ۲۶۸) بخل می‌ورزد و همواره زندگی فقیرانه‌ای را در برابر چشمان خود می‌بیند و از خود می‌پرسد که پس از انفاق، چه آینده‌ای در انتظار اوست (جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۸ ش، ج ۱۸، ص ۶۴۴).

از این‌رو، در مرام یک مسلمان پیرو ولایت رسول خداوند صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اصولاً بخل راه ندارد^۱ و او تلاش دارد که از هرگونه کار خیر به نحو بهینه بهره‌برداری کند تا منافع دنیوی و اخروی خود را حداکثر کند، بنابراین، هنگامی که وقف و خیراتی انجام می‌دهد با قصد قربت و رضای پروردگار این کار را به جا می‌آورد. وقف به قصد قربت مستحب است و صدقه جاریه و باقیات صالحات نامیده می‌شود؛ اما اگر با نیت دیگری انجام پذیرد گاهی مباح، گاهی مکروه، و زمانی حرام می‌تواند باشد. بدین ترتیب، انگیزه اصلی در جامعه اسلامی قصد قربت است و انگیزه‌های دیگر مانند نوع دوستی، و محبت گرم تا جایی که در گستره این انگیزه قرار دارند یا خیری را به دنبال دارند مورد تأیید هستند، اما انگیزه شهرت طلبی و جاه طلبی هرچند ممکن است در این جامعه وجود داشته باشند؛ اما تلاش می‌شود به سمت انگیزه‌های صحیح هدایت شوند و آلا با آن مبارزه می‌شود.

بدین ترتیب، واقفان چهار نوع انگیزه می‌توانند داشته باشند: ۱. قرب الهی خالص و متعالی؛^۲ ۲. محبت گرم؛^۳ ۳. نوع دوستی^۴ و ۴. شهرت و جاه طلبی. شناخت تحلیل انگیزه‌های واقفان از آن

۱. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُسْلِمٍ الْبُخْلُ وَ سُوءُ الْخُلُقِ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۷۵، ح ۱۱۷).

۲. انگیزه قریبی و متعالی وقف به‌طور متعارف برای ابرار و مؤمنان پیرو ولایت پیامبران اولوالعزم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مراتب بالای ایمان و دینداری است.

۳. عرف مردم دنیا و از جمله مسلمانان تمامی مذاهب بدین خاطر می‌بخشند و گاهی وقف می‌کنند که احساسات درونیشان در برخی فصول و زمان‌ها و در بعضی مکان‌ها تحریک و حالشان خوب شود و گاهی در اثر اخبار خوب یا درخواست‌های مؤثر کمک، عشق انفاق پیدا و وقف می‌کنند. حال اگر قصد قربت هم از آنها جاری شود چه بهتر، ولی معمولاً در این حالات آنچه برای آنها مهم است همین است که سبک می‌شوند، حالت مثبتی در آنها ایجاد می‌شود، احساس گناه را برطرف می‌کند، خودآزاری را کاهش می‌دهد، شوق نشان دادن تشکر از خدا، مردم، و غیره را ارضا می‌کند و خلاصه احساس اخلاقی شخص درستکار و منصف را پیدا کرده و به خویش‌شناسی فرد به عنوان فردی عاطفی، به لحاظ اجتماعی مسئول، سازگار، یا با نفوذ کمک می‌کند (ر.ک: بکرز و وایکینگ، ۲۰۰۷، ص ۳۲).

۴. مطلوبیت فرد مسلمان مانند هر فرد غیرمسلمان، صرفاً به مصرف کالاهای خصوصی وی بستگی ندارد؛ بلکه مطلوبیت وی تحت تأثیر کالاهای مصرفی توسط دیگران نیز قرار می‌گیرد. در اینجا واقف به رفاه و آسایش موقوف‌علیه علاقمند است و از مطلوبیتش مطلوبیت کسب می‌کند. چنین وقف‌هایی به‌طور طبیعی، معمولاً در مورد خانواده،^۵

جهت می‌تواند مفید باشد که افراد و سازمان‌های متقاضی وقف را آگاه می‌کند که برای هر یک از این افراد در معرض واقف شدن برنامه فرهنگ‌سازی متناسب طراحی کنند.

تحلیل عوامل مؤثر بر عرضه وقف

به‌طور خلاصه، عرضه وقف تابع عواملی است که اهم آنها به ترتیب ذیل می‌باشند:

۱. آگاهی از نیاز؛ ۲. ایمان؛ ۳. دارایی؛ ۴. درآمد؛ ۵. قیمت یا هزینه؛ ۶. سن؛ ۷. فشار اجتماعی؛ ۸. سودمندی و کارایی درخواست‌های گردآوری اعانات.

۱. آگاهی از نیاز

آگاهی از نیاز پیش‌نیاز اول برای هر نوع بخشش از جمله وقف کردن است. مردم برای حمایت کردن مالی باید آگاه از نیاز باشند. از این‌رو، یکی از سیاست‌های افزایش عرضه وقف نیز فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی مردم نسبت به انواع نیازهاست. اسلام ناب در این عرصه از امکانات بسیار ارزنده‌ای به‌ویژه، برای افراد با انگیزه‌های محبت‌گرم برخوردار است. ماه‌های رمضان و محرم و صفر^۱ و مکان‌هایی مانند مساجد و حسینیه‌ها و مهدیه‌ها، و مراسم جمعی ویژه‌ای مانند حج و عمره و اعیاد مذهبی و جاذبه‌های گردشگری مذهبی مشاهد مشرفه و امامزاده‌ها و استفاده بهینه از مراسم ترحیم، وعظ، خطابه و دعای جمعی سرمایه عظیم مذهبی، انسانی و فیزیکی است که می‌تواند به شدت در این آگاه‌سازی و ایجاد محبت گرم نقش ایفا کند.

۲. ایمان

بالاترین و ارزشمندترین موقوفات ناشی از ایمان موحدان بوده و از این پس نیز این عامل مؤثرترین نقش را در عرضه وقف خواهد داشت. چه بسا فردی از ابرار ایمانش موجب ایثار شده و خانه خود و عیالش را به خاطر ساخت حمام یک روستا فروخته و آن را وقف کرده و تا پایان عمرش اجاره‌نشین شده است.

از این‌رو، انگیزه الهی و اقبال نخست در جامعه اسلامی نقش مهمی در افزایش عرضه وقف به هنگام درک نیاز به این خدمت می‌شود؛ دوم این انگیزه در جوامع غیراسلامی نیز با شدت و ضعف

→ دوستان و آشنایان ممکن است رخ دهد و هنگامی که فرد مسلمان تحت تأثیر ارزش‌های مکتبی نیز تا حدی قرار بگیرد به مردم غریبه‌ای مانند فقرا، طلاب، دانشجویان، سادات و... نیز این نوع وقف نوع دوستانه ممکن است گسترش یابد.
۱. مطالعات پیمایشی زمان‌سنجی بخشش‌ها در بریتانیا و ایرلند مشخص می‌کند که دسامبر تاکنون بخشنده‌ترین ماه سال است. در ربع دوم سال خانوارهای بریتانیایی احتمالاً بیشتر می‌بخشند اما نه مقادیر بالاتری کمک کنند (همان، ص ۲۵).

جاری است و موجب افزایش عرضه وقف می‌شود.^۱ مطالعات پیمایشی نشان می‌دهند افرادی که به طور کلی کمتر مادی‌گرا هستند، کسانی که بر اهداف فرامادی‌گرایانه در سیاست صحنه می‌گذارند، آنانی که دینداری و معنوی بودن را ارزش می‌دانند، افرادی که به اصل اخلاقی مراقبت [از دیگران] صحنه می‌گذارند، کسانی که به نظم اجتماعی، وفاق و همراهی، و عدالت اجتماعی در جامعه اهتمام می‌ورزند، آنانی که به لحاظ اجتماعی احساس مسئولیت برای سازمان دریافت‌کننده و جامعه به مثابه یک کل می‌کنند احتمالاً بیشتر می‌بخشند؛ زیرا آنها انگیزه به‌سازی جهان را به‌عنوان مکان بهتر دارند. نه تنها برخی ارزش‌های اجتماعی بخشش‌ها را به‌طور کلی ارتقا می‌بخشند؛ بلکه همچنین ارزش‌های خاص اجتماعی بخشش‌ها به خیریه‌های خاص را ارتقا می‌دهند. به‌طور آشکار، واهبان به احزاب سیاسی به ارزش‌هایی صحنه می‌گذارند که برای ایدئولوژی آن احزاب محوری دارند (ر.ک: بکرز و وایکینگ،^۲ ۲۰۰۷، ص ۳۷). از این‌روست که پیروان اهل‌بیت به حزب سیاسی شیعه و مشاهد مقدسه و روضه‌های بر اهل‌بیت در طول تاریخ کمک‌های شایانی کرده و بیشترین موقوفات به همین منظور ایجاد شده‌اند.

پایداری این انگیزه در رفتارهای وقفی، هرچند از منظر اقتصاد خرد، در تابع عرضه وقف قابل تحلیل نباشد؛ اما از منظر اقتصاد کلان، به لحاظ تأثیری که در رفتارهای وقفی و خیرخواهانه به‌انگیزه‌های سه‌گانه دیگر که مطلوبیت‌پذیر هستند می‌گذارد تابع رفاه اجتماعی را افزایش و معضل سواری مجانی را بسیار کاهش می‌دهد و از این‌رو، کارآمدی اقتصاد بخش سوم نظام اقتصادی اسلامی را بهینه‌تر می‌کند،^۳ ضمن آنکه نابرابری را کاهش و فقر را به سمت صفر متمایل می‌کند.

۳. دارایی

به‌طور طبیعی، دارایی هر کس بیشتر، وقفش بیشتر. با مراجعه به تاریخ صدر اسلام و تاریخ تمدن اسلامی این مسئله روشن می‌شود که هرگاه مسلمانان (با صرف نظر از اینکه مؤمن خالص باشند یا نه) ثروت مازادی اعم از زمین مرغوب، باغ سرسبز و چاه آبی کسب می‌کردند این امکان برایشان بیشتر فراهم می‌شد تا وقف کنند. از این‌رو، داشتن دارایی بیشتر امکان وقف و انواع بخشش‌ها را

۱. هنگامی که از ۲۰۰ واهب و سرمایه‌دار بزرگ آمریکایی از انگیزه‌هایشان برای دهش می‌پرسند، ۴۲ نفر (۲۱ درصد) پاسخ می‌دهند که به طرفداری از اصول و نهادهای مذهبی اتفاق می‌کنند. این نشان‌گر دومین انگیزه دهش در میان جوامعی است که سال‌هاست به‌طور سازمان‌دهی شده علیه مذهب فعالیت می‌کنند (کلانتفلتر، ۲۰۰۲، ص ۸).

2. Bekkers & Wiepking

۳. مسلمانان در امور خیر و کمک به هم‌نوعان در پی پیش‌جویی بر یکدیگر هستند و در نتیجه نه تنها انگیزه‌های نوع‌دوستانه خود را به امید آغاز اقدام توسط دیگری به تأخیر نمی‌اندازند، بلکه تلاش می‌کنند از سابقون فی‌الخیر باشند. بنابراین موضوع سواری مجانی در تأمین داوطلبانه خدمات همگانی جایی برای مطرح شدن ندارد و رفتارها، بدون انتظار واکنش دیگران در مجموعه اقدامات خیریه شکل می‌گیرد.

بیشتر فراهم می‌کند. حال اگر مالکیت خانه شاخص ثروت و دارایی فرض شود، بیشتر مطالعاتی که به مالکیت خانه نگاه کرده‌اند این متغیر را به مثابه متغیری که همبستگی نیرومندی با دهش دارد یافته‌اند، هرچند یک مطالعه پیوندی با احتمال دهش نمی‌یابد و دو مطالعه دیگر رابطه‌ای با مقدار اعطا شده نمی‌یابد. البته، بدیهی است که سکونت در خانه‌های عمومی رابطه‌ای با مقدار دهش در یک مطالعه نداشته باشد (ر.ک: همان، ص ۱۰).

وضعیت مالی ملموس هم یکی دیگر از شاخص‌های ثروت و دارایی است. در تحلیل دو متغیری، آنهایی که وضعیت مالی خود را مثبت‌تر درک می‌کنند اعطاکنندگان بخشنده‌تری هستند. یک مطالعه که شامل چند ویژگی زمینه‌ای و با سابقه قبلی است اما درآمد واقعی وجود ندارد اثبات کرده‌اند که آنانی که خودشان را «غنی‌تر از بیشتر مردم دیگر» می‌بینند کمک‌های بالاتری را به تقاضای اعانه می‌کنند. تحقیقی درباره کمک‌های دانش‌آموختگان فارغ‌التحصیل مدرسه که همچنین مقیاس درآمد را به حساب نیآورده، اثبات کرد که دهش دانش‌آموخته در میان آنانی که اطمینان بیشتری در اقتصاد داشتند بالاتر بود. تحقیق دیگری که درآمد واقعی را گنجانده بود و موقعیت مالی بهتر ملموسی برای افراد یافته بود ارتباط احتمال بالاتر وعده حمایت مالی، همراهی با وقایع خیرخواهانه، و کمک مالی در فروشگاه‌ها را اثبات کرده بود (همان، ص ۱۱). کلاتفلتر (۲۰۰۳) و دریزنر (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که مقدار نوع دوستی قویاً به بازار سهام بستگی دارد (همان، ص ۱۹).

۴. درآمد

به نظر آندریونی انگیزه مسلط واهبان محبت گرم یا «لذت دهش» است و در این صورت، مطلوبیت بخشش مانند مطلوبیت بستنی به‌عنوان یک کالای مصرفی محسوب شده و در نتیجه، می‌توان تابع مطلوبیت واهب را حداکثر، و درست مثل هر یک از کالاهای مصرفی دیگر تحلیل و بررسی کرد؛ یعنی وقتی درآمد بالا می‌رود مردم باید بیشتر دهش کنند و وقتی قیمت یا هزینه دهش بالا می‌رود مردم باید کمتر کمک کنند (آندرونی،^۱ ۲۰۰۱). مطالعات بسیاری این مطلب را نشان می‌دهد.^۲ درآمد ارتباط ضعیف اما به‌طور معناداری مثبت با مقدار بخشش در ایالات متحده،

1. Andreoni

2. Abrams & Schmitz 1978; 1984; Andreoni 1988; Andreoni & Miller 2002; Apinunmahakul & Devlin 2004; Auten et al 1992; Auten & Rudney 1990; Banks & Tanner 1999; Barrett 1991; Bekkers 2003; 2006b; 2007b; Bekkers & Schuyt 2005; Bekkers & Wiepking 2006; Belfield & Beney 2000; Bielefeld et al 2005; Brooks 2002; Brooks 2005; Brown & Lankford 1992; Carman 2006; Chang 2005a; Choe & Jeong 1993; Chua & Wong.

1999; Clotfelter 1980; Daneshvary & Luksetich 1997; Eaton 2001; Farmer & Fedor 2001; Feenberg 1987; Feldstein 1975a; 1975b; Feldstein & Clotfelter 1976; Feldstein & Taylor 1976; Glenday et al 1986; →

کانادا و هلند دارد. در آمریکا، اثر درآمد نیرومندتر از این اثر در هلند است. اشتینبرگ (۱۹۹۰) ادبیات موضوع را بررسی کرد و دریافت که کشش درآمدی نوع دوستی در آمریکا بین ۰/۶۰ و ۰/۸۰ است. با استفاده از ویژگی‌های پیشرفته‌تر، آتن، سیگ و کلاتفلتر (۲۰۰۲) آثار درآمد دائمی را بین ۰/۴۰ و ۰/۸۷، و آثار درآمد زودگذر را بین ۰/۲۹ و ۰/۴۵ می‌یابند. بکرز (۲۰۰۴) کشش ۰/۱۹ را برای هلند به دست می‌آورد (ر.ک: بکرز و وایپکینگ، ۲۰۰۷، ص ۹).

۵. قیمت یا هزینه

از آنجا که به طور متعارف «اعطاکنندگان همیشه آسوده‌تر خواهند بود که کمک مالی نکنند» بنابراین، باید شرایط به نحوی باشد که قیمت اعطا یا هزینه اعطا کم باشد تا آنها عطایای بیشتری داشته باشند. اقتصاددانان آثار تجربی قیمت دهش را بر نوع دوستی با استفاده از فایل‌های داده‌ها و مالیات‌ها در بسیاری از مقالات از دهه ۱۹۷۰ مطالعه کرده‌اند. شمار زیادی از مطالعات آثار قیمت مالیات را بر نوع دوستی برآورد کرده‌اند. پلوزا و استیل (۲۰۰۵) متا آنالیز ارائه می‌کنند و نشان می‌دهند که تخمین‌های اثر قیمت به طور کلی منفی است؛ اما بین این مطالعات مختلف تفاوت گسترده‌ای وجود دارد، که به روش‌های نمونه‌گیری و آماری استفاده شده بستگی دارد.

بیشتر برآوردهای اخیر آثار قیمتی، مبتنی بر مدل‌های پیشرفته اقتصادسنجی برای تحلیل پنل دیتا، برآوردهای کمتری از مطالعات قدیمی ارائه کرده‌اند. جدیدترین تحقیق به این نتیجه رسیده است که تغییرات در کسورات مالیاتی برای اعانات خیرخواهانه اثر ثابت و بزرگ بین ۱/۷۹- و ۱/۲۶- و اثر گذرای کوچک‌تر قیمتی بین ۰/۴۰- و ۰/۶۱- دارد.

هزینه‌های بخشش گاهی درگیر مسائلی بیشتر از فقط پول می‌شود. مطالعه‌ای پیمایشی دریافت که مردمی که موانع کمتری برای دهش تصور می‌کنند احتمالاً بیشتر کمک می‌کنند. زحمت فیزیکی نیز نوع دوستی را سست می‌کند. مردم احتمالاً بیشتر پول به خیریه می‌بخشند وقتی که

←Greenwood 1993; Gruber 2004; Havens et al 2007; Hood et al 1977; Houston 2006; Hrungrung 2004; James & Sharpe 2007; Jones & Posnett 1991a; 1991b; Kingma 1989; Knoke 1990; Lankford & Wyckoff 1991; Long 2000; Lunn et al 2001; Lyons & Nivison-Smith 2006; Lyons & Passey 2005; Marx 2000; Matsunaga 2006; McClelland & Kokoski 1994; Mesch et al 2006; O'Neill et al 1996; Okten & Osili 2004; Okunade & Berl 1997; Olson & Caddell 1994; Pharoah & Tanner 1997; Reece 1979; Reece & Zieschang 1985; 1989; Reed & Selbee 2002; Regnerus et al 1998; Ricketts & Westfall 1993; Robinson 1990; Rooney et al 2005; Schervish & Havens 1995a; 1995b; Schervish & Havens 1998b; Schervish & Havens 2003; Schiff 1990; Schlegelmilch et al 1997a; Schwartz 1970; Slemrod 1989; Sokolowski 1996; Srnka et al 2003; Sullivan 1985; Tiehen 2001; Todd & Lawson 1999; Van Slyke & Brooks 2005; Wilhelm et al 2006; Wu et al 2004; Yamauchi & Yokoyama 2005; Yen 2002. The only two U.S. studies that we found that did not find a significant income effect are a field experiment with mail solicitations in central Florida (List 2004) and a study of donations to panhandlers (Lee & Farrell 2003).

شرایط هوایی بهتر باشد. یک مطالعه اثر مثبت قابل ملاحظه درجه حرارت هوا را بر دهش به ارتش رستگاری در دوره زمانی بین روز شکرگزاری و کریسمس یافت (همان، ص ۲۵-۲۶).

۶. سن

زندگی هر انسانی به طور معمول سه دوره دارد: ۱. کودکی و نوجوانی (مصرف کننده سربار)؛ ۲. جوانی و میانسالی (مصرف کننده و پس اندازکننده)؛ ۳. پیری (مصرف کننده مستقل و احتمالاً باقی گذاشتن مقداری از پس انداز). اسلام از همه صاحبان پس انداز به طور عام می خواهد که انفاق کنند و به طور خاص از افراد مسن می خواهد که نخست، تلاش کنند برای خانواده و خویشاوندان خود ارثیه ای باقی بگذارند؛ دوم، ثلث اموالشان را برای خیرات وصیت به وقف و دیگر خیرات کنند،^۱ البته، برای رعایت حال ورثه بهتر است خمس یا ربع آن را وصیت کنند؛^۲ سوم اگر باز هم دارایی های قابل توجهی دارد بخشی از آن را وقف کند. قرآن موجود در وقف نامه ها و نکات تاریخی آنها نشان می دهد که بیشتر وقف های امام علی (علیه السلام) در سال های پایانی عمر نوشته شده اند؛ مثلاً وصیت نامه مشتمل بر وقف های امام، در سال ۳۷ یا ۳۹ قمری نوشته شده است. مبرد در الکامل تاریخ وقف عین ابی نزر و بغیغه را در سال دوم خلافت ایشان می داند. در بسیاری از وقف نامه های ایشان لقب امیرالمؤمنین به کار رفته است که حاکی از کتابت آنها در زمان حکومت ایشان است (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۸).

یافته های نوعی در مورد رابطه بین سن و نوع دوستی در ادبیات موضوع مثبت است. برخی مطالعات اثبات می کنند که رابطه سنی در سن های بالاتر کاهش می یابد. آتن و جولفایان (۱۹۹۶) اثبات می کنند که دهش در میان ۴۰-۸۴ ساله ها بالاتر از آنانی هستند که جوان تر یا پیرتر هستند. آندریونی (۲۰۰۱) و هاجکینسن و ویتزمن (۱۹۹۶) رابطه مثبتی تا ۷۵ سالگی اثبات می کنند، بعد از این سن کاهش مشاهده می شود. بلفیلد و بنی (۲۰۰۰)، و برخی دیگر کاهش در دهش پس از سن ۶۵ سالگی می یابند. در مطالعه ای با سهم بزرگی از پاسخگویان بیش از ۶۵ نفر، شلجلمیلچ و

۱. خداوند متعال به فرزند آدم می فرماید: سه لطف بر تو کردم: ۱. عیوبت را پوشاندم به نحوی که اگر بستگان بدان آگاهی می یافتند دفت نمی کردند؛ ۲. وسعت مالی به تو دادم و از تو قرض خواستم ولی تو خیرات نکردی؛ ۳. هنگام مرگت در ثلث مالت مهلتی به نفع تو در نظر گرفتم اما خیرات نکردی (شیخ حر عاملی، ۱۹۴۰۹، ج ۱۹، ص ۲۶۳، حدیث ۲۴۵۵۴-۴).

۲. در حدیثی از حسین بن علی بن یقظین آمده است که از امام موسی (علیه السلام) پرسید: شخص هنگام مرگش نسبت به مالش چه سلطه ای دارد؟ امام (علیه السلام) پاسخ دادند: ثلث، و این ثلث زیاد است (همان، ص ۲۷۴، حدیث ۲۴۵۷۷-۸). از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که: وصیت به ربع و خمس بهتر از ثلث است (همان، ص ۲۶۹، حدیث ۲۴۵۶۷-۲). این اجازه در هنگام وداع فرد با دنیا به او داده می شود که از ثروتش برای جهان جدید آخرت استفاده کند. در این لحظات انسان آمادگی بیشتری برای انفاق و خیرات دارد و اگر از آن استفاده نکند سزاوار سرزنش است. بنابراین، مجاز شدن تصرف در ثلث برای سهم شدن انسان در هنگام مرگش برای برپایی عدالت اجتماعی است (ر.ک: صدر، ۱۳۷۵، ص ۵۴۴-۵۴۵).

دیگران (۱۹۹۷) یافتند که رابطه منفی سن با احتمال دهش به خیریه برقرار است. براون و لنکفورد (۱۹۹۲) افزایش بخشش‌ها را مشاهده می‌کنند وقتی که پس از ۴۵ سالگی سن تثبیت شد. در تضاد با این نتایج، راندولف (۱۹۹۵) می‌یابد که دهش با سن افزایش می‌یابد، با نرخ فزاینده برای افراد بالای ۴۰ سال؛ تفاوتی که می‌توان تبیین کرد این حقیقت است که راندولف متغیرهایی برای تعداد بچه‌ها و وضعیت تأهل متفاوت با ازدواج ننگجانند (ر.ک: بکرز و وایپکینگ، ۲۰۰۷، ص ۱۱). نتیجه در تحقیق آتن و جولفایان (۱۹۹۶) این است که اثر سن (به هنگام کنترل درآمد بچه‌ها) کاهش می‌یابد که این پیشنهاد می‌کند که پیرترها بیشتر می‌بخشند؛ زیرا آنها نگرانی کمتری درباره آینده بچه‌هایشان دارند. انسان سالخورده ممکن است مسئول‌تر باشد نسبت به نیازهای غریبه‌ها زیرا نیازهای بچه‌هایشان تأمین شده است. مسن شدن جمعیت در دوره‌های افزایش ثروت و کاهش تعداد بچه‌ها در هر خانواده آینده نویدبخشی برای سازمان‌های خیریه به وجود می‌آورد (ر.ک: بکرز و وایپکینگ، ۲۰۰۷، ص ۱۱).

۷. فشار اجتماعی

از دیدگاه اسلام، اگر عمل دهشی، انفاق و وقف ناشی از فشار اجتماعی و تقلید از دیگران در مسیر باطل باشد صحیح نیست؛ ولی اگر در مسیر حق باشد چنین تقلیدهایی خوب است. مطالعات پیمایشی آشکار می‌کنند که مردم دهش‌هایشان را با آنچه دیگران در محیطشان می‌بخشند منطبق می‌کنند. این مسئله شاید به خاطر فشار اجتماعی باشد.^۱ در تحقیقی پیمایشی در مورد تأثیر اجتماعی در دهش محل کار، کارمن (۲۰۰۶) می‌یابد که دهش خیرخواهانه به‌ویژه از رفتار کارگران همکار با حقوق یکسان متأثر است (همان، ص ۱۸). نبخشیدن در زمینه‌های اجتماعی در جایی که همسالان برای دهش ارزش قائلند و این افراد در زندگی روزانه مهمند نه تنها شهرت و اعتبار فرد را در خطر قرار می‌دهد، بلکه همچنین رابطه با این همسالان را تخریب می‌کند^۲ (همان، ص ۳۱).

البته، سازمان‌های گردآوری امانات در تلاش برای افزایش کارایی و سودمندی راهبردهای گردآوری اعانه باید مراقب باشند تا واهبان بالقوه احساس اجبار به دهش نداشته باشند. هنگامی که آزادی مردم محدود شود، به‌طور مثال به خاطر فشار اجتماعی درخواست‌های شدیداً محرک، مردم

۱. تحقیقی پیمایشی در هلند اثبات کرد که سطح بالاتر دهش مذهبی میان پروتستان‌ها در هلند مدیون شمار بالاتر تقاضاها برای امانات و سطح بالاتر فشارهای اجتماعی برای مطابق بودن با استانداردهای گروه است (همان، ص ۷).

۲. آزمون‌های تجربی آزمایشگاهی با اعاناتی برای کالاهای عمومی خالص آشکار می‌کند که مردم انتظاراتشان درباره رفتار مردمان دیگر را با رفتار خودشان تطبیق می‌دهند. در نهایت، یک مطالعه که سطوح پیشنهاد شده را ساده می‌کند یافت که چنین پیشنهاداتی اثر اندکی دارند مگر اینکه با اطلاعاتی درباره میانگین رفتار دیگران همراه شوند. مردم نمی‌خواهند به‌عنوان شخصی که در دهش میان دیگر همکارانشان شکست خوردند برجسته شوند (همان، ص ۳۸).

احساس می‌کنند که آزادیشان برای عمل محدود می‌شود. در موارد بسیاری، نتیجه «مقاومت کور» است، یعنی، وضعیتی انگیزشی که اجابت درخواست‌ها را کمتر می‌کند (همان، ص ۳۹).

۸. اثربخشی و سودمندی

اثربخشی و سودمندی اشاره دارد به ادراک واهبانی که اعاناتشان تفاوتی در هدفی که آنها از آن حمایت می‌کنند ایجاد می‌کند. مطالعات پیمایشی آشکار می‌کند که وقتی مردم این برداشت را دارند که اعاناتشان تفاوتی ایجاد نمی‌کند، آنها احتمالاً کمتر می‌بخشند (همان، ص ۳۶). رفتار برخی افراد طوری است که انگاز از استدلال سواری مجانی تبعیت می‌کنند: یک دلار اضافی مشکل را حل نمی‌کند؛ نبخشیدن مسائل را بدتر نمی‌کند. مطالعات پیمایشی آشکار می‌کند که رویکرد سردتر عقلانی به زندگی دهش را کاهش می‌دهد و مرتبط است با سطح کمتر داوطلبی (همان، ص ۳۷). ادراک اثربخشی مرتبط است با اعتماد خیرخواهانه و ادراک هزینه‌های بالاسری و هزینه‌های گردآوری اعانه. واهبانی که اعتماد بیشتری به سازمان‌های خیریه دارند تصورشان این است که اعاناتشان احتمالاً کمتر برای هزینه‌های گردآوری اعانه و هزینه‌های بالاسری پرداخت می‌شوند. چنین باورهایی دربارهٔ اثربخشی سازمان‌های خیرخواهانه احتمالاً دهش را ارتقا می‌بخشند (همان).

ساختار روابط بین دولت و نهاد وقف

اسلام به «تعادل هدایت‌شونده» معتقد است و هدایت هوشمندانه و دخالت عالمانه، عقلانی و کارآمد دولت اسلامی خیرخواه را در اقتصاد تجویز می‌کند؛ از این رو، تمامی بن‌بست‌های موجود در بخش‌های اول، دوم و سوم را می‌تواند برطرف و انسجام لازم را در راستای اهداف پنج‌گانه «معنویت، امنیت، عدالت، پیشرفت و نظم نوین بین‌الملل اسلامی» فراهم کند.

اسلام اصل را مردم و خدمت به آنها می‌داند و دولت امانت‌داری است که باید به نحو احسن پاسدار عدالت به‌ویژه در قلمروی اقتصاد باشد. بنابراین، اهداف پنج‌گانه «معنویت، امنیت، عدالت، پیشرفت و نظم نوین بین‌الملل اسلامی» می‌توانند پاسخگوی اندازه دولت باشند. ترکیب بهینه بازار، دولت و بخش سوم (اعم از اقتصاد خیرخواهانه و اقتصاد تعاونی)، یا ترکیب بهینه بازار، دولت، اقتصاد تعاونی و اقتصاد خیرخواهانه (در اقتصاد چهاربخشی) بر این اساس قابل تبیین است. در واقع، یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های مردمی‌سازی اقتصاد (اعم از خصوصی‌سازی، تعاونی‌سازی و خیرخواه‌سازی اقتصاد) کارآمد کردن نظام اقتصادی است که با نگرش مکمل بودن دولت و بخش مردمی امکان‌پذیر می‌شود.

بنابراین، از آنجا که دولت اسلامی در حقیقت نماینده واقعی خود مردم در افزایش ثروت و رفاه عمومی، و توزیع عادلانه دارایی‌ها و درآمدها و دیگر اهداف پنج‌گانه است، هر جا که خود مردم به دلیل هزینه بالا و یا سواری مجانی و مانند آن، قادر به انجام امور به صورت منفرد و یا گروهی نباشند، با تنظیم مناسب حقوق مالکیت و اجرای آن، و سیاست‌های دیگر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تضادها را به دوستی و همکاری تبدیل کرده و ثبات و امنیت اجتماعی را فراهم می‌کند.

دولت اسلامی هر چند مانند خداوند عقل کل و دانای مقتدر نیست؛ ولی با استفاده از دو منبع وحی و عقل، تلاش می‌کند تا با مشارکت مردم و تأسیس سازوکارهای لازم توان اطلاعاتی و پردازش اطلاعاتی نظام اسلامی را افزایش دهد و با استفاده از کارمندان متخصص و متعهد توان اجرایی با حداکثر ظرفیت را به نمایش گذارد و با توجه به جنبه عادلانه بودن رهبری و دیگر کارگزاران اصلی دولت با بی‌طرفی و عدم تأثیرپذیری از گروه‌های فشار توفیق بیشتری در حداکثرسازی رفاه اجتماعی و خیر حقیقی پیدا کند. از این رو، اشکالی که معمولاً بر دولت‌های پیشرفته در نظام‌های مردم‌سالار می‌شود بر دولت اسلامی علی‌الاصول وارد نمی‌باشد.^۱

دولت اسلامی مشوق اقتصاد وقف

از آنجا که دولت اسلامی به دنبال حداکثرسازی رفاه اجتماعی و خیر حقیقی و تأمین اهداف پنج‌گانه‌اش هست، طبیعی است که نظام اقتصادی را به نحوی سامان‌دهی می‌کند که تمامی عوامل فعال اقتصادی با هر انگیزه‌ای اعم از سودطلبی، یا خیرخواهی در مسیر قانونی به حداکثر کارایی برسند. از این رو، تمامی بسترهای لازم برای چنین فعالیت‌هایی را تسهیل کرده و مسیر مسابقه به سمت رقابت عادلانه یا شتاب گرفتن خیرات را آماده می‌کند. یکی از این مسیرها تشویق اقتصاد وقف است، چنان‌که در صدر اسلام و در طول تاریخ تمدن قدیم اسلامی این تشویق توسط دولت‌های متعهد به اسلام اتفاق افتاد و فقراتی از کالاها و خدمات عمومی و حتی خصوصی از طریق اقتصاد وقف وارد جریان نظام اقتصادی شد. دولت اسلامی مشوق اقتصاد وقف در تولید کالاهای عمومی کمتر از حد تولید شده و تولید کالاهای عمومی استثناپذیر^۲ به حد کافی تولید شده ولی کمتر از حد متعارف مصرف‌شده [محرورسازی بیش از حد] می‌باشد.

۱. دولت آن‌طور که در نظریه اقتصاد رفاه به‌طور ضمنی مطرح می‌شود، دارای کارگزاران خیرخواه که نفع عمومی را بر نفع شخصی خود ترجیح می‌دهند نیست؛ بلکه کارگزاران دولتی نیز به مانند کارگزاران خصوصی عقلایی در پی حداکثرسازی منفعت شخصی خود می‌باشند. در حالی که تصور رایج بر این است که فعالان اقتصادی در بازار در پی منفعت شخصی خود هستند، نمی‌توان تصور کرد که همین افراد هنگامی که در نقش سیاستمدار، کارمند و یا حتی رأی‌دهنده وارد حوزه سیاست و دولت شوند، تغییر رویه دهند و منافع عمومی را بر منافع شخصی خویش ترجیح می‌دهند (زمان‌زاده، ۱۳۸۸/۸/۲۰).

۲. مانند بلیط سینمای فیلم‌های فاخر یا فیلم‌های فرهنگی برای اقشار خاصی از قبیل دانش‌آموزان یا بلیط سفر به عتبات عالیات.

دولت اسلامی برطرف‌کننده موانع اقتصاد وقف

نهاد وقف با مشکلات و آسیب‌هایی مواجه است که دولت اسلامی در هر عصر و زمانی باید از طریق وضع قوانین و اعمال سیاست‌هایی آن مشکلات را به حداقل برساند. برخی از این آسیب‌ها عبارتند از:

۱. تعارض بین اهداف واقف و اهداف اجتماعی: در جریان وقف، واقف با وقف مال و ثروت خویش نحوه چگونگی استفاده از آن را نیز تعیین می‌کند؛ به عبارت دیگر، وقف‌نامه در واقع دستورالعملی است که بر اساس آن خطوط کلی دلخواه اداره موقوفه برای متولیان و ناظران بعدی معلوم می‌شود. از آنجا که نیت واقف اهمیت فراوان دارد و عمل بر اساس نیت واقف الزامی و تخطی از آن جایز نیست، از این‌رو، در برخی از موارد بین اهدافی که واقف تعیین کرده و اهداف اجتماعی و مصالح عمومی تعارض پیش می‌آید. در اینجا، اگر وقف باطل باشد دولت موظف است جلوی آن را بگیرد؛ اما در غیر این صورت، با توجه به آزادی اقتصادی در کادر محدود و عدالت اجتماعی مقرراتی برای رعایت مصالح عمومی وضع می‌کند؛

۲. افت بهره‌وری و کارایی مؤسسات وقفی: با گذشت زمان و نبودن انگیزه مناسب برای متولیان و نداشتن صلاحیت لازم املاک و تأسیسات وقفی کارایی خود را از دست داده و در مقایسه با موارد مشابهی که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود از بهره‌وری پایینی برخوردار می‌گردد. منابع زیاد وقفی اغلب به صورت سرمایه‌های راکدی هستند که یا اساساً درآمدزایی ندارند یا از حداقل بازدهی مطلوب برخوردارند. از آنجا که یکی از وظایف دولت اسلامی نظارت بر بهره‌وری است باید با وضع سیاست‌هایی موانع بهره‌وری این ثروت‌ها را برطرف و زمینه پیشرفت اقتصاد وقف را فراهم کند؛

۳. عدم امکان تغییر کاربری به دلیل تغییر شرایط: عملکرد استفاده از املاک و اراضی به‌ویژه در مناطق شهری ثابت نیست و در طی زمان کاربری آنها دچار تغییر می‌شود. در برخی از موارد ممکن است موقعیت مکانی مطلوب‌تر و ارزش بالاتری کسب کرده و در موارد دیگری ممکن است مطلوبیت مکانی خود را از دست بدهد؛ بدین ترتیب، ثابت بودن نوع استفاده با استفاده بهینه از آنها تعارض می‌یابد. در این مورد هم دولت اسلامی موظف است برای حفظ و شکوفایی ارزش موقوفات و حق واقف، و موقوف‌علیهم موانع موجود در مسیر کاربری‌های ثروت‌آفرین را با اتخاذ سیاست‌های ملی، منطقه‌ای، و محلی و وضع مقررات لازم برطرف کند؛^۱

۱. دولت‌ها با سه روش در فراهم کردن اطلاعات برای مصرف‌کنندگان می‌کوشد: الف) دولت با قانون‌گذاری ضمانت اجرایی قرارداد را تسهیل می‌کند و تعداد مبادله‌های بازاری که از این راه شکست می‌خورند را کاهش می‌دهد؛ ب) دولت با قانون صحت تبلیغات، برجسب‌های تولیدی و اجبار در بیان اطلاعات دیگر درباره کالا، بنگاه‌ها را به راست‌گویی در تبلیغات و بیان اطلاعات درست مجبور می‌کند؛ ج) دولت ورود به بازار را محدود می‌کند و مواردی مانند مجوز کسب، مجوز تولید، مجوز بهداشت حداقل‌هایی را برای تمام تولیدکنندگان در یک صنعت تضمین می‌کند. زمانی که دولت خود طرف قرارداد بنگاه‌های انتفاعی است با کنترل و نظارت بر رفتار بنگاه می‌تواند مشکل شکست ←

۴. احتمال اشتباه واقف در انتخاب متولی (کژگزینی) و همچنین امکان مواجهه واقف با رفتارهای متفاوت با خواست و نیت وی از سوی متولی در اداره موقوفه (کژمنشی): برخی همه مشکلات اوقاف را برخاسته از نحوه اداره آن دانسته و اصلاح مدیریت و رفتار صحیح متولیان را سبب از میان رفتن بسیاری از مفاسد موجود در اوقاف بیان کرده‌اند (کمال‌الدین، بهار ۱۳۸۶، ص ۷۷). به هر تقدیر، این کژگزینی و کژمنشی افزون‌بر برآورده نکردن خواست و نیت واقف، آسیب‌هایی را برای موقوفه به دنبال خواهد داشت. از این‌رو، دولت اسلامی موظف است قانون مدنی را طوری وضع کند که این مشکلات به حداقل برسد. همان‌طور که به‌طور مثال در ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ تأکید شده است که برای رعایت مصلحت وقف و بهره‌برداری صحیح باید رقبات موقوفه را با توجه به مفاد وقف‌نامه و قوانین مربوطه و جلب نظر کارشناس یا خبره محلی از راه مزایده به اجاره واگذار کرد (ر.ک: فروزش، ۱۳۸۶، ص ۸۶).

بدین ترتیب، هرچند وقف اساساً به بخش سوم اقتصاد تعلق دارد و به هیچ‌وجه دولتی نیست؛ اما از سوی دیگر، با توجه به اینکه موقوفه، حتی موقوفه خاص، شخصیتی حقوقی دارد که باید غبطه و مصلحتش رعایت شود لذا در صورت رعایت نشدن این مصلحت و شکایت موقوف‌علیهم دولت اسلامی وظیفه دارد دخالت و وظیفه حاکمیتی خود را اعمال کند. از این‌رو، هرچند وقف وظیفه اخلاقی بخش سوم اقتصاد است، ولی از آنجا که موقوفه (چه عام چه خاص) یک شخصیت حقوقی است و مصالح موقوف‌علیهم باید رعایت شود لذا دولت اسلامی و ولی فقیه باید سازوکار نظارتی طراحی کند تا این مصالح در معرض اتلاف یا ناکارآمدی قرار نگیرد. از این جهت، نهاد خصوصی وقف باید نظارت شود، اما در چارچوب آزادی‌های اقتصادی و عدالت اجتماعی اسلام (ر.ک: جهانیان، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

اقتصاد وقف در سه عرصه قابل ارائه است:

۱. تقاضای وقف: وقف تابع نیاز است. شرکت‌کنندگان در طرف تقاضا شامل موقوف‌علیهم، ذی‌نفعان و متولیان و مدیران وقف می‌باشند. مدیریت بهینه نیازها می‌طلبد که تا حد امکان نیازهای کاذب به حداقل برسد تا امکان تأمین بیشتر نیازهای صادق فراهم شود. موقوف‌علیهم و ذی‌نفعان برای تأمین بهتر منافعشان حق مشارکت و اعتراض دارند؛

۲. عرصه وقف: واقفان به مثابه عرضه‌کنندگان وقف چهار نوع انگیزه می‌توانند داشته باشند که

→ قراردادی را حل کند (فریس و گراد، ۱۹۹۱م، ص ۵۴۸) و مذاکره بیشتر، دقیق‌تر و جزئی‌تر و قراردادهای پیچیده‌تر می‌تواند این مشکل را کاهش دهد (دیوگ، ۱۹۸۴م، ص ۲۳) (به نقل از: درخشان و نصراللهی، پاییز ۱۳۹۳، ص ۷۳).

البته، اسلام تلاش دارد همه انگیزه‌ها را در جهت قرب خالص الهی هدایت کند. این انگیزه‌ها عبارتند از: ۱. قرب خالص الهی؛ ۲. محبت گرم؛ ۳. نوع دوستی؛ و ۴. شهرت و جاه طلبی غیرمضر برای دیگران و مقید به «عدم وقف بر نفس». با توجه به این انگیزه‌های چهارگانه است که عوامل مؤثر بر عرضه و وقف مطرح شد که عبارتند از: آگاهی از نیاز، ایمان، دارایی، درآمد، قیمت یا هزینه، سن، فشار اجتماعی، اثربخشی و سودمندی؛

۳. ساختار روابط بین دولت و نهاد وقف: دولت اسلامی خیرخواه از یک سو، مشوق اقتصاد وقف در جهت تولید کالاهای عمومی، و از سوی دیگر، موانع موجود بر سر راه این اقتصاد را برطرف می‌کند. متأسفانه، واقعیت‌های میدانی موجود در هر سه عرصه اقتصاد وقف کشورهای اسلامی، از جمله ایران نشان می‌دهد که: نخست، تقاضای وقف با بهره‌وری اندک امید عرضه بیشتر و پایدارتر را کم‌رنگ می‌کند؛ دوم، عرضه و وقف با چالش‌های شدیدتری از جمله مراکز موازی فعال در زمینه امور خیریه از قبیل کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، بنیاد مستضعفان و...؛ از یک سو، و در کنار آن نهضت مدرسه‌سازی توسط خیرین،^۱ و وجود بنیادهای عام‌المنفعه و انجمن‌های خیریه محلی که کمک‌های اندک مردم را جمع‌آوری و هدایت می‌کنند مواجه است؛ و سوم، نگاه دولت‌های کشورهای اسلامی، از جمله دولت ایران به نهاد وقف مطابق با استانداردهای مکتب اقتصادی اسلام نیست و باید اصلاح شود.

راه‌حل بنیادین پیشرفت اقتصاد وقف قبل از تدوین «نظام جامع تحول اقتصادی وقف»، در تعیین تکلیف وضعیت اقتصاد بخش سوم نهفته است (ر.ک: جهانیان، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۱-۱۰۳). وضعیت بهینه ترکیب سه بخشی اقتصاد و وضعیت بهینه اندازه دولت اقتضا دارد که به سمت «بخش سوم‌سازی اقتصاد» حرکت شتابانی صورت گیرد. این حقی است که هم دادنی است و هم گرفتی. یعنی، دولت باید این حق را برای مردم قائل باشد که مستحبات و مباحات خود را در حوزه مالی داشته باشند و البته، هنگامی که تبدیل به نهاد شدند در چارچوب وظیفه نظارت بر بهره‌وری و حفظ نظام به وظیفه حاکمیتی خود عمل کند. اما این حق گرفتی نیز هست و مردم به‌ویژه ابرار و پیشتازان عرصه معروف در چارچوب قانون و بر اساس سلسله مراتب امر به معروف و نهی از منکر باید به پیشرفت اقتصاد بخش سوم کمک کنند. بدین ترتیب، نظام اقتصادی ایران نیازمند بازسازی بر اساس سیاست تعیین تکلیف وضعیت اقتصاد بخش سوم است. البته، حل نهایی این مسئله باید در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت گیرد.

۱. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و سازمان‌هایی نظیر بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی علیه السلام با مشارکت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران گوی سبقت را ربوده و خیرین را جذب کرده‌اند؛ در حالی که ماهیت همه این خدمات خیریه وقفی است و در نهایت مدارس احداث شده و اهدایی توسط خیرین در اشکال وقف می‌تواند مستمراً به ارائه خدمات آموزشی به نیازمندان پردازند.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌أبی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، محقق و مصحح مجتبی عراقی، قم: دارسیدالشهداء للنشر.
۲. امیری، هادی؛ غلامحسین کیانی و فاطمه صادقپور (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «برآورد تمایل به پرداخت افراد جامعه جهت تأسیس مؤسسه‌های وقفی برای تأمین مالی آموزش و پرورش (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، جستارهای اقتصادی ایران، ش ۲۴.
۳. جوادی آملی، عبدالله (زمستان ۱۳۸۸ش)، تسنیم، تفسیر ترتیبی قرآن کریم، محقق حسین اشرفی، قم: نشر اسراء.
۴. جهانیان، ناصر (تابستان ۱۳۹۵)، «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم»، مجله اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، ش ۶۲، ص ۷۹-۱۰۶.
۵. — (تابستان ۱۳۹۰)، «مبانی، اهداف و جایگاه وقف در مکتب اقتصادی اسلام»، مجله اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۸۷-۱۱۶.
۶. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۰)، «سیره اقتصادی امام علی (علیه السلام)»، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ج ۷، اقتصاد، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر).
۷. خمینی، سیدروح‌الله موسوی (۱۳۷۹ش)، کتاب البیع، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۸. درخشان، مرتضی و خدیجه نصراللهی (پاییز ۱۳۹۳)، «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران»، مجله اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، ش ۵۵، ص ۶۱-۸۸.
۹. روزبهان، محمود (۱۳۷۹)، مبانی علم اقتصاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. زمانزاده، حمید (۱۳۸۸/۸/۲۰)، «ترکیب بهینه دولت-بازار، راه سومی وجود ندارد!»، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۱۹۴۲.
۱۱. سعیدصبری، عکرمه (۲۰۰۱م)، الوقف الاسلامی بین النظرية والتطبيق، الاردن: دارالنفائس للنشر والتوزیع.
۱۲. شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیه السلام).

۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم.
۱۴. — (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۵ش)، اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۱۶. طباطبائی حکیم، سیدمحسن (بی تا)، نهج الفقاهة، ۱ جلد، قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
۱۷. عیسوی، محمود؛ رضا طالبلو و مصطفی کاظمی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «طراحی مدل پیشنهادی صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف در اقتصاد ایران»، جستارهای اقتصادی ایران، ش ۲۱.
۱۸. فروزش، روح الله (۱۳۸۶)، مجموعه قوانین و مقررات اوقاف، تهران: انتشارت خرسندی.
۱۹. کمال‌الدین، امام محمد (بهار ۱۳۸۶)، «چارچوب قانونی وقف در کشورهای وادی نیل»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۷، ص ۸۶-۱۰۱.
۲۰. محمدی ال‌ریشهری، محمد (۱۴۱۶ق)، میزان الحکمة، قم: دارالحدیث.
21. Bekkers, René, Wiepking, Pamala (2007), "Generosity and Philanthropy: A Literature Review", this paper was presented at the 35th Annual Conference of the Association for Research on Nonprofit and Voluntary Action, November 16-18, 2006, Chicago, the Civil Society Congress, May 31, 2007, Utrecht, and the WWAV Academy, June 4, 2007, Woerden.
22. Andreoni, James (2001), *Philanthropy*, Chapter 18, Handbook of the Economics of Giving, Altruism and Reciprocity, Edited by Serge-Christophe Kolm and Jean Mercier Ythier, Volume 2, Elsevier.
23. Clotfelter, Charles T. (July 2002), *the economics of giving*, Duke University.